

تخصیص و تدوین
حدود و احکام
کتاب مطاب اقدس

تخصیص و تدوین
حدود و احکام
کتاب مُسطاب اقدس

از انتشارات بحیث امور حبت می ایرانی امریکائی

دارالانشاء مجلس روحانی بهائیان ایالات متحدہ
دہلیت، اینڈینا

۱۹۸۵

لاتحسبنّ انّا نزلنا لكم الاحكام
بل فتحنا ختم الرّحيق المختوم
باصابع القدرة و الاقتدار. يشهد
بذلك ما نزل من القلم الوحي
تفكّروا يا اولى الافكار.

كتاب مستطاب اقدس

فهرست مُذَرَّجَات

صفحه

دیباجه

۱

مقدمه

تلخیص و تدوین احکام و

۱۱

حدود کتاب مستطاب اقدس

۴۱

حواشی و توضیحات

۵۷

ضمیمه

مرقومه دارالانشاء بیت العدل اعظم

راجع به احکامی که در حال حاضر

احبای غرب مکلف به اجرای آن

نیستند

بعضی آیات کتاب مستطاب اقدس که در

قسمت "حواشی و توضیحات" بدانها

۶۲

اشاره شده است

دیسبانہ

این مجموعه حاوی فہرست جامع و موجزی است از احکام و حدود و خطابات نصیّہ و مواضع متنوّعہ نازلہ در کتاب مستطاب اقدس و در رسالہ سئوآل و جواب کہ از ملحقات آن سفر کریم محسوب میگردد . تمام جزئیّات احکام و حدود در این فہرست منظور نشده و در قالبی ہنہن محدود ارائه عظمت و ہیمنہ بیانات مبارکہ امکان پذیر نیست . برای درک این ہیمنہ و جلال باید بہ زیارت و مطالعہ اصل آیات مقدّسہ پرداخت .

در خاتمہ این مجموعہ بعضی حواشی و توضیحات و مراجع و مآخذ و نیز ضمیمہای مشتمل بر احکام و حدودی کہ در حال حاضر احتیای غرب مکلف باجرای آن نیستند درج شدہ است .

مقدمه

یکصد سال قبل در غرفه‌ای مشرف بر میدان پرگرد و خاک بندر قدیمی عکا کتابی از قلم اعلیٰ صدور یافت که مقدر است منشور مدنیت جهانی شناخته شود. حضرت بهاء‌الله، منزل آن سفر جلیل، متجاوز از ربع قرن مصائب متتابعه تحمل فرموده، مبشر فریدش بمقام شهادت مظلومی فائز شده و نجل برومند جلیش حضرت غصن اطهر و جمعی قریب به بیست هزار نفر از اصحابش از رجال و نساء و اطفال جان خود را نثار کرده بودند تا سبب ابقاء این امر بدیع شوند. حضرتش بنفسه معرض حبس و تعذیب لرار گرفته و به نهب اموال و خیانت برادر ناتنی مبتلای گشته و باتفاق عائله مبارکه و جمعی قلیل از پیروان متوالیاً به نفی بلد محکوم شده عاقبت در سجن عکا، منفای مجرمین دولت عثمانی، که برداشت آب و هوا موصوف، مسجون گردیده بود. اعدای آن حضرت که قصد اضحلال امر مبارکش را داشتند علی رغم ان فهم سبب تحقق نوایسای الهیه و نزول اجلال نفس مقدسی به ارض اقدس شدند که مقدر بود ملکوت الهی را در بیسط غبراء مستقر سازد. با ورود آن حضرت به اراضی مقدسه وقت نزول احکام ملکوت موعود فرا رسیده بود.

حضرت ولی امرالله در کتاب God Passes By (۱) که در ذکر حوادث تاریخی قرن اول دور بهائی تدوین گشته بعد از شرح مبسوطی راجع به اهمیت اعلان عمومی امر جمال

(۱) این اثر بوسیله جناب نصرالله مودت بفارسی ترجمه شده و تحت عنوان "کتاب قرن بدیع" در چهار مجلد در ایران منتشر گردیده است.

اقدس ابهی که در سنه ۱۸۶۷ با نزول سوره ملوک آغاز شده و زلزله در ارکان عالم انداخته بود در شرح نزول این سفر کریم که از قلم مُنزل آن به کتاب اقدس تسمیه شده چنین میفرمایند:

"این اعلان هرچند بنفسه فرید و خطیر بود ولیکن مقدمه اشراقی اعظم از بروز قوه و قدرت خلّاقه سلطان ظهور بر اثر نزول کتاب مستطاب اقدس گردید کتابی که میتوان آن را اعظم عطیه رسالت حضرتش محسوب داشت. این سفر بدیع، که حضرت بهاء اللّه در کتاب ایقان بدان اشاره فرموده بودند، مخزن شریعت ربانیهای است که اشعیای نبی بدان بشارت داده و در مکاشفات یوحنا به "سما جدید" و "ارض جدید" و "هیکل رب" و "مدینه مقدسه" و "عروس" و "اورشلیم جدید نازل از جانب حق" تعبیر گشته و فرائض و احکامش باید مدت یکهزار سال بلا تغییر باقی بماند و نظاماتش کره ارض را احاطه کند، اعلی و اجلی اشراق انوار ساطعه از روح اعظم جمال قدم است ام الكتاب دور بهائی است و منشور نظم جهان آرای یزدانی."

"کتاب اقدس بفاصله کوتاهی پس از انتقال حضرت بهاء اللّه به بیت عودی خمار (۱) (درسال ۱۸۷۳ میلادی) در ایامی که هنوز آن وجود مقدس در اثر اعمالی که دشمنان و نیز مدعیان محبتش مرتکب شدند بمصائبی منتهی محاط و گرفتار بود از سما مشیت رحمانیه نازل گردیده است. این سفر

(۱) این بیت بعداً بخانه مجاور معروف به بیت عبود متصل گردید و اکنون تمام این ساختمان بنام "بیت عبود" معروفست.

کریم - مخزن لثالی گرانبهای ظهور مبارک - نظر باصولی که تعلیم میدهد و مؤسسات اداریهای که مقرر داشته و به مقام و رسالتی که به جانشین شارع امر تفویض میکند در بین کتب مقدسه عالم فرید و بی نظیر است. زیرا ... کتاب مستطاب اقدس که *مِن الْبَدْوِ إِلَى الْخْتَمِ* از قلم شارع مقدس این دور اعظم نازل گشته نه فقط احکام و فرائض اصلیهای را که نظم بدیع آینده اش بر آن قائم است برای نسلهای آینده حفظ میکند بلکه علاوه بر وظیفه تبیین آیات که به جانشین شارع مقدس محول گردیده مؤسسات ضروریهای را تنصیب مینماید که یگانسه حافظ وحدت و جامعیت امر آلهی است.

"جمال اقدس ابهی حدود و احکام آلهی را که موضوع اصلی این کتاب مبین است به "روح الحیوان لمن فی الامکان" و "حصن حصین" و "اثمار سدره الله" و "السبب الاعظم لنظم العالم و حفظ الامم" و "مصباح الحکمة و الفلاح" و "عرف قمیص" و "مفاتیح رحمت" آلهی برای عباد تعبیر و توصیف فرموده اند و در شأن این صحیفه علیا میفرمایند:

قُلْ إِنَّ الْكِتَابَ هُوَ سَمَاءٌ قَدْ زَيَّنَّاها بِانْجَمِ الْاَواْمِرِ وَالتَّوَاهِي، ... "قُلْ يَا قَوْمِ خذوه بِيَدِ التَّسْلِيمِ" .. لعمرى قَدْ نَزَلَ عَلَى شَأْنِ يَتَحَيَّرُ مِنْهُ الْعُقُولُ وَ الْاَفْكَارُ اِنَّهُ لِحِجَّةُ الْعِظْمَى لِلوَرَى وَ بَرهانِ الرَّحْمَنِ لِمَنْ فِي الْاَرْضِينَ وَ السَّمَوَاتِ، وَ نِيْزِ مِيْفرَمَايَنْدُ؛

"طوبى لِيذائِقَةَ يَجِدُ حَلَاوتَهَا وَ لِيذِي بَصَرٍ يَعْرِفُ مَا فِيهَا"

و لِيذِي قَلْبٍ يَطَّلِعُ بِرَمُوزِهَا وَ اسرارِهَا تَاللهُ يَرْتَعِدُ
ظَهْرَ الْكَلَامِ مِنْ عَظْمَةٍ مَا نَزَّلَ وَ الْاِشَارَاتِ الْمَقْنَعَةَ لِشِدَّةِ
ظُهُورِهَا " و نيز ميفرمايند " كِتَابِ اِقْدَسِ بِشَأْنِي نَازِلِ
شَدَّةِ كِه جاذِبِ وَ جَامِعِ جَمِيعِ شَرَائِعِ آلِهِيَةِ اسْت... وَ
بِانْبِسَاطِي نَازِلِ شَدَّةِ كِه كَلِّ رَا قَبِلَ اَز اِقْبَالِ احاطه
نموده سَوْفَ يَظْهَرُ فِي الْاَرْضِ سُلْطَانَهُ وَ نَفُوذَهُ وَ اِقْتِدَارَهُ " (۲)

حضرت بهاء الله در يکي از الواح مبارکشان
ميفرمايند: "در سنين معدودات از اطراف عرايض ناس
بشطر اقدس وارد و از اوامر آلِهيه سئوآل مينمودند
اَنَا امسكنا القلم على ذكرها الى ان اتى الميقات اذا
اشرقت من افق ارادة ربك شمس الاوامر والاحكام فضلاً على
الانام انه لهو الغفور الكريم." بيست سال از تجلّی
روح اعظم بر هيكل اطهر در سياه چال طهران ميگذشت كه
جمال قدم "ام الكتاب" اين دور افخم را نازل فرمودند.
در لوح ديگري اشاره ميفرمايند كه كتاب اقدس پس از
نزول سنين معدودي مستور بود بعد امر بارسال آن جهت
احياء آلِهِي در ايران شد.

حضرت وليّ امر الله چنين توضيح ميفرمايند:

"پس از نزول كتاب مستطاب اقدس و تشريع احكام
اصليه اين دور افخم الواح عديده ديگري نيز تا
اواخر ايام از يراعه مالكانام عز نزول يافت
كه در آن صحائف مقدسه پاره‌اي از اصول و مباهي
ساميه اين امرا عظم بيان و بعضي از احكام كه از

(۲) با بعضي تغييرات و اصلاحات از كتاب قرن بديع (طهران):

مؤسسه ملي مطبوعات امري، ۲۵ (بديع، قسمت دوم، ص

۳۸۲ - ۳۹۱ - ۳۹۳) اقتباس شده است.

قبل از قلم اعلیٰ نازل شده بود توضیح و تشریح و نکات و حقایقی که قبلاً اعلان شده بود مجدداً تأکید گردید و بشارات و انذارات جدیدی از قلم اعلیٰ صادر و پاره‌ای او امر فرعیته که فی الحقیقه مکمل احکام کتاب اقدس بوده است وضع و مقرر گردیده..."

از جمله این آثار رساله "سؤال و جواب" است که از ملحقات کتاب اقدس محسوب و حاوی اجوبه‌ایست که حضرت بهاء الله به سئوالات یکی از اصحاب درباره احکام عنایت فرموده‌اند. با اینحال چنانکه حضرت ولی امر الله اشاره میفرمایند با وجود کثرت نصوص درباره احکام و حدود حضرت بهاء الله باراده غالبه مواردی را متعمداً مجمل گذاشته‌اند که باید بعهداً بیت العدل اعظم تشریح نماید.

در خصوص تنفیذ احکام الهی حضرت بهاء الله در یکی از الواح میفرمایند: "او امر الهیه بمنزله بحر است و ناس بمنزله حیتان لوهم يعرفون ولكن بحکمت باید بآن عمل نمود... اکثری ضعیفند و از مقصود اولیه بعید. باید در جمیع احوال حکمت را ملاحظه نمود تا امری احداث نشود که سبب ضوآء و نفاق و نفاق نفوس غافله گردد. قد سبقت رحمته العالم و فضله احاط العالمین باید بکمال محبت و بردباری ناس را ببحر معانی متذکر نمود. کتاب اقدس بنفسه شاهد و گواه است بر رحمت الهیه"

تأخیر و تأملی که باراده الهیه در نزول احکام اطلیه الهیه این عصر روا شد همچنین تنفیذ تدریجی

احکام مزبور کل دالّ بر تجلی تدریجی انوار ظهورات الهیه است که بفرموده حضرت بهاء الله حتی در دوره رسالت هریک از انبیاء نیز صدق میکند. قوله تعالی: "و انک ایقن بان ربّک فی کلّ ظهوریتجلی علی العباد علی مقدارهم مثلاً فانظرالی الشمس فانتها حین طلوعها عن افقها تكون حرارتها و اثرها قليلة و تزداد "درجة" بعد درجة لیستأنس بها الاشياء قليلاً قليلاً الی ان یبلغ الی قطب الزوال ثم تنزل بدرائج مقدّرة الی ان یغرب فی مغربها ... و انها لو تطلّع بغتة فی وسط السماء یضّر حرارتها الاشياء كذلك فانظر فی شمس المعانی لتکون من المطلّعين فانّها لو تستشرق فی اول فجرالظهور بانوارالتي قدّرالله بها لیحترق ارض العرفان من قلوب العباد لانّهم لن یقدروا ان یحملنّها او یستعکسّون منها بل یضربون منها و یکونون من المعدومین ."

حضرت عبدالبهاء در پیروی از این اصل جمیع مساعی خویش را مصروف اشاعه تعالیم اب بزرگوار و تبیین و تشریح مبادی سامیه مندمج در آن تعالیم فرمودند و در عین حال مطالبی را تبیین فرمودند که برای فهم احکام کتاب اقدس حائز اهمیت شایانی است و اهمّ این آثار الواح مبارکه وصایا است. این الواح وصایا "سندی است جاودانی که در آن وجوه ممیّزه نظم اداری مشخص گردیده. نظمی که از قبل حضرت اعلیٰ بدان بشارت داده و حضرت بهاء الله اصول و احکامش را وضع و مقرر فرموده بودند و مقدر بود بعد از صعود حضرت عبدالبهاء ارتفاع یافته طلّیعه تأسیس نظم جهانی گردد."

حضرت شوقی ربانی طی سی و شش سال دوران ولایت

امر نظم اداری حضرت بهاء الله را طرّاحی و اساس آنرا مستقر و موجبات اجرای فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء را برای انتشار امرالله در سراسر عالم فراهم فرمودند و همین که نطاق نظم اداری و تبلیغ امرالله توأمأً توسعه یافت، متدرّجاً اقدام به تنفیذ احکامی از کتاب اقدس فرمودند که تشخیص میدادند زمان اجرای آن فرا رسیده و با قوانین مدنی موجود منافاتی ندارد و بتوصیه مبارک محفل روحانی ملی بهائیان مصر نیز مجموعه‌ای از احکام بهائی که مربوط باحوال شخصیه از ازدواج و طلاق و ارث بود تنظیم و تدوین نمود.

برای طبع کتاب اقدس حضرت ولی امرالله

فرموده‌اند که باید مقدمهٔ رساله‌ای موجز و جامع از حدود و احکام آن کتاب تهیه گردد سپس کتاب توسط هیئتی میزز و ذی صلاحیت کاملاً ترجمه شود و منضمّ بتوضیحات وافیه در حواشی شود. حواشی مزبور بلا تردید باید متضمّن مراجع لازمه از الواح مبارکه حضرت بهاء الله که متعمّم کتاب اقدس محسوب است و تبینات صادره از قلم مرکز میثاق و حضرت ولی امرالله باشد و بعضی از آیات آن سفر جلیل را توضیح دهد و سوابق دینی و فرهنگی و تاریخی آنرا تشریح کند. بدیهی است کتاب اقدس که مشحون از اشارات بوده و ارتباط با احکام و رسوم شرایع سالفه دارد بسهولت ممکن است در نظر کسانی که باین احکام و رسوم آشنا نبوده، و بحد کافی در آثار مبارکه حضرت بهاء الله تمعّن نداشته و از نوایای اصلیه حضرتش بی خبر باشند مورد سوء تعبیر واقع شود. ترجمه‌های نارسا بالاخص ممکن است کاملاً

سبب گمراهی شود. حضرت بهاء الله درباره ترجمه کتاب اقدس که در ایام حیات مبارک توسط یکی از احباء انجام شده بود چنین اظهار میفرمایند: "اگرچه مقصد جناب مترجم خیر بوده لکن از اینجهت که اینگونه امور در این ایام سبب اختلاف میشود لهذا جائز نه."

حضرت ولی امرالله در اواخر ایام تدوین حدود و احکام کتاب اقدس را از اهداف نقشه جهاددهساله مقرر فرموده. بنفسه المقدس باجرای آن اقدام نمودند و طرح کلی این رساله را بزبان انگلیسی وحواشی و توضیحاتی بزبان فارسی تهیه نمودند. از جمله اهدافی که بیت العدل اعظم برای نقشه نهساله مشخص نمودند تکمیل تدوین حدود و احکام کتاب اقدس بود. قسمت عمده این وظیفه را هیکل مبارک حضرت ولی امرالله انجام داده بودند و بیت العدل اعظم این مهم را طبق طرحی که حضرت ولی امرالله باقی گذاشته بودند بسپایان رساندند.

با طبع و نشر این مجموعه احکامی که در حال حاضر بر افراد بهائی فرض است افزایش نیافته است. هر زمان که بیت العدل اعظم مقتضی بداند یاران را از احکام اضافی که مکلف به اجرای آن هستند مطلع و هدایت لازمه و تشریحات متمم را ابلاغ خواهد نمود. اما چنانکه حضرت ولی امرالله اشاره فرموده اند بعضی از احکام "برای آینده وضع شده یعنی هنگامی که هیئت جامعه از اوضاع آشفته‌ئی که حال بدان مبتلا است خلاصی یابد."

در کتاب مستطاب اقدس حضرت بهاء الله
میفرماید قوله تعالی: "لعمری لو تعرفون ما اردناه
لکم من اوامرنا المقدسه لتفدون ارواحکم لهذا الامر
المقدس العزیز المنیع." "هذا کتاب اصیح مصباح القدم
للعالم و صراطه الاقوم بین العالمین. قل انّہ لمطلع
علم اللّٰه لو انتم تعلمون و مشرق او امر اللّٰه لو انتم
تعرفون." "قل هذا روح الکتب قد نفح به فی القلم الاعلی
و انصعق من فی الانشاء الا من اخذته نفحات رحمتی
وفوحات الطافی المہیمنة علی العالمین."

بيت العدل اعظم

حیفا

رضوان ۱۳۰ بديع (آوریل ۱۹۷۳)

تخصیص و تدوین
حدود و احکام
کتاب مُطاب اقدس

خلاصہ

فہرست مندرجات

الف - تعین حضرت عبد البہار بعنوان جانشین
حضرت بہار اللہ و متین تعالیم مبارکہ اسحضرت

۱ - توجہ بہ حضرت عبدالبہاء

۲ - ارجاع امور بہ حضرت عبدالبہاء

ب - پیش بینی موستہ ولایت امر

ج - موستہ بیت عدل

د - احکام و حدود و خطابات نصیحتہ

۱ - صلوة

۲ - صوم

۳ - احکام احوال شخصیہ

۴ - سایر احکام و حدود و خطابات نصیحتہ

۵ - تذکرات و عتاب و اندازات مخصوصہ

و - مواضع متفرقہ

تخصیص و تدوین حدود و احکام کتاب مستطاب اقدس

الف - تعیین حضرت عبد البهاء بعنوان بنشین
حضرت بهاء الله و بنین عالم مبارکه آنحضرت

۱ - امر به توجهاهل بهاء به "من اراده الله الذی
انشعب من هذا الاصل القديم."

۲ - امر به رجوع به "الفرع المنشعب من هذا الاصل
القومی" جهت تبیین آثار

ب - پیش منی مؤسسه ولایت امر

ج - مؤسسه بیت عدل (۱)

۱ - تعیین و تنصیب بیت عدل

۲ - تعیین وظائف آن مؤسسه

۳ - واردات آن مؤسسه

د - احکام و حدود و خطابات نصیحة

۱ - صلوة (۲)

۱-۱ "صلوة... از اعظم فرائض این

دور مقدس است"

۱-۲ قبله (۳)

۱-۲-۱ حضرت اعلیٰ "من ینظره الله"

را قبله قرار داده اند

۱-۲-۲ حضرت بهاء الله قرار حضرت
اعلیٰ را تأیید فرموده اند

۱-۲-۳ حضرت بهاء الله مقرر فرموده اند
قبله اهل بهاء بعد از صعود مقر
استقرار عرش مبارک باشد

۱-۲-۴ وجوب توجه به قبله حین
ادای صلوة

۱-۳ وجوب صلوة بر رجال و نساء پس از
بلوغ بسن پانزده سالگی

۱-۴ کسانی که از ادای صلوة معافند:

۱-۴-۱ مرضی

۱-۴-۲ نفوسی که سَنّان متجاوز از
هفتاد سال است

۱-۴-۳ نسوان در حین عادت ماهانه
بشرط آنکه وضو گرفته (۴)
و آیه مخصوصی را که نازل گشته
۹۵ مرتبه در روز تکرار
نمایند (۵)

۱-۵ صلوة باید بصورت فردی ادا گردد.

۱-۶ انتخاب یکی از سه صلوة مجاز است (۶)

۱-۷ مقصد از اوقات صبح و ظهرو شام مذکور
در صلوة به ترتیب فواصل صبح از
طلوع آفتاب (۷) تا زوال (ظهر) و از

زوال تا غروب و از غروب تا دو ساعت
از شب گذشته است

۱-۸ اقامه صلوة اولی (صلوة کبیر) یک
بار در ۲۴ ساعت کافیهست

۱-۹ اقامه صلوة ضغیر در حال قیام اولی
و احبّ است

۱-۱۰ وضو (۴)

۱-۱-۱ قبل از صلوة باید وضو گرفته
شود

۱-۱-۲ برای هر صلوة تجدید وضو لازم
است

۱-۱-۳ اگر حین ظهر دو نماز خوانده شود
یک وضو برای هر دو کافیهست

۱-۱-۴ هرگاه آب فراهم نباشد یا
استعمال آب برای دست یا
صورت مضر باشد آیه مخصوصی
نازل شده که باید پنج مرتبه
تکرار گردد (۸)

۱-۱-۵ در صورت برودت شدید هوا
استفاده از آب گرم توصیه
شده است

۱-۱-۶ هرگاه لِاجْلِ امر دیگری وضو
گرفته شده باشد تجدید آن
قبل از اقامه نماز لازم نه

۷-۱-۱ وضو ضرورت دارد حتی اگر قبلاً استحمام شده باشد

۱-۱۱ تعیین اوقات مخصوصه صلوة

۱-۱۱-۱ برای تعیین وقت صلوة اتکاء به ساعت جائز است

۱-۱۱-۲ در اقطار واقعه در مناطق بعیده نیمکره شمالی یا نیمکره جنوبی که طول مدت شب و روز تغییرات فاحش دارد بدون توجه به طلوع و غروب آفتاب باید به ساعات و مشاخص اتکاء شود

۱-۱۲ در موارد ناامنی (۹) خواه در سفر یا حضر در ازاء هر صلاتی که فوت شود باید یکبار سجده کرده آیه مخصوصه ای را تلاوت نمود و بعد از اتمام سجود آیه مخصوصه دیگری را هجده مرتبه تکرار کرد (۱۰)

۱-۱۳ نماز جماعت (۲) جز در مورد صلوة میّت نهی شده است

۱-۱۴ تلاوت صلوة میّت (۱۱) بطور کامل واجب است جز در مواردی که از حاضرین کسی قادر بر قرائت نباشد درین صورت باید تکبیرات و اذکار ششگانه مخصوص صلوة میّت تکرار شود

- ۱-۱۵ صلوة نُه رکعتی که در کتاب اقدس
بدان اشاره شده با نزول سه صلوة کبیر
و وسطی و صغیر منسوخ گردیده است (۱۲)
- ۱-۱۶ صلوة آیات منسوخ و بجای آن آیه
مخصوصه نازل گردیده و لکن تلاوت آن
واجب نیست (۱۳)
- ۱-۱۷ مو و سمور و استخوان و امثال آن
مُبطَل صلوة نیست (۱۴)

۲ - صوم

- ۲-۱ "... صیام از اعظم فرائض این دور
مقدس است "
- ۲-۲ ماه صیام با اتمام ایام هاء شروع و
به عید نوروز ختم میشود (۱۵)
- ۲-۳ امساک از اَکَل و شُرْب از طلوع تا غروب
آفتاب واجب است (۱۶)
- ۲-۴ صوم بر رجال و نساء بعد از رسیدن
بسن بلوغ یعنی پانزده سالگی واجب
است
- ۲-۵ کسانی که از صوم معافند:
- ۲-۵-۱ مسافرین
- ۲-۵-۱-۱ مشروط بر اینکه سفر
بیش از ۹ ساعت بطول
انجامد

۲-۵-۱-۲ کسانیکه پیاده سفر
 میکنند بشرط اینکه
 بیش از دو ساعت طی
 طریق کنند

۳-۵-۱-۳ کسانی که در محلی کمتر
 از ۱۹ روز اقامت
 کنند

۴-۵-۱-۴ کسانی که بقصد اقامت
 ۱۹ روزه یا بیشتر در محلی
 وارد شوند فقط برای
 سه روز اول بعد از ورود
 از روزه گرفتن معافند

۵-۵-۱-۵ کسانی که در ایام صیام
 به خانه خود مراجعت
 میکنند از روزه و روزه‌داری
 صائم گردند

۲-۵-۲ مرضی

۳-۵-۳ نفوسی که سئشان متجاوز از
 هفتاد سال است

۴-۵-۴ زنان حامله

۵-۵-۵ زنان شیرده

۶-۵-۶ زنان در موقع عادت ماهیانه
 مشروط بر اینکه وضو گرفته آیه
 مخصوصه را ۹۵ مرتبه در روز تلاوت
 نمایند (۵)

۲-۵-۷ شاغلین به مشاغل شاقّه "ولکن
در آن ایام قناعت وستر لاجل
احترام حکم اللّه و مقام صوم
اولی و احبّ"

۲-۶ صوم جهت نذر و عهد در غیر شهر العلاء جائز
است "ولکن حقّ جلّ جلاله دوست داشته که
عهد و نذر در اموری که منفعت آن به
عباد اللّه میرسد واقع شود"

۳ - احکام احوال شخصیه

۳-۱ ازدواج:

۳-۱-۱ نکاح از مندوبات است یعنی
قویاً توصیه شده ولی شرعاً واجب
نیست

۳-۱-۲ تعدّد زوجات نهی است (۱۷)

۳-۱-۳ شرط جواز ازدواج آنست که
طرفین بسن بلوغ شرعی یعنی
۱۵ سالگی رسیده باشند

۳-۱-۴ ازدواج مشروط بر رضایت طرفین
و ابویین است خواه زوجه باکره
باشد یا نباشد

۳-۱-۵ قرائت آیه مخصوصه که مُشعر بر
رضایت به مشیت الهی است بر
طرفین فرض است (۱۸)

۳-۱-۶ ازدواج بازن پدر حرام است

۳-۱-۷ کلیه مسائل مربوط به ازدواج
با اقارب با منای بیت‌العدل
راجع است

۳-۱-۸ ازدواج با غیربهائی جا‌زاست
۳-۱-۹ نامزدی:

۳-۱-۹-۱ دوران نامزدی نباید
از ۹۵ روز تجاوز کند

۳-۱-۹-۲ نامزد شدن با دختر،
قبل از آنکه بسن بلوغ
برسد، حرام است

۳-۱-۱۰ مهریه:

۳-۱-۱۰-۱ تحقق ازدواج معلق
به اداء مهر است

۳-۱-۱۰-۲ میزان مهر

۱۹ مثقال (۱۹)

طلای خالص برای اهل

مدن و ۱۹ مثقال

نقره برای اهل

قری است بر حسب

محل سکونت دائمی

زوج نه زوجه

۳-۱-۱۰-۳ تجاوز از ۹۵ مثقال

حرام است

۴-۱-۱-۳ قناعت به ادای نوزده
مثقال نقره احسن و
اولی است

۵-۱-۱-۳ اگر پرداخت کامل مهر
ممکن نباشد صدور قبض
مجلس (*) جائز است

۱۱-۱-۳ بعد از قرائت آیتین و اعطاء
مهریه اگر یکی از طرفین
قبل از زفاف نسبت به دیگری
کُره حاصل نمود دوران تربص (۲۰)
قبل از طلاق لازم نیست و اخذ
مهریه نیز از زوجه جائز نه

۱۲-۱-۳ زوج باید هنگام سفر میقاتی
برای مراجعت تعیین نماید و
اگر بعد از موجهی از مراجعت
در موعد مقرر ممنوع شد باید
زوجه خود را مطلع سازد و
کمال جهد میذول دارد که
مراجعت کند و اگر زوج هیچیک
از این دو شرط را اجرا نکند
زوجه باید ۹ ماه صبر کند و
بعد میتواند با دیگری ازدواج
نماید و لکن صبر و انتظار اولی
است. هرگاه خبر موت یا قتل

زوج به زوجه رسد و این
مطلب بشیوع یا اظهار عدلین
ثابت شود ازدواج مجدد زوجه
پس از انقضاء نه ماه جائز
است

۳-۱-۱۳ اگر زوج با وقوف بحکم کتاب
اقدس بسفر برود بدون آنکه
زوجه را از میقات مراجعت مطلع
کند زوجه میتواند بعد از تریص
یک سال ازدواج نماید.
اما اگر زوج از حکم الهی
آگاه نباشد زوجه باید صبر کند
تا خبری از زوج برسد.

۳-۱-۱۴ اگر بعد از ادای مهر بر زوج
معلوم شود که زوجه باکره
نیست زوج میتواند اعاده
مهریه و مصاریف را مطالبه نماید

۳-۱-۱۵ اگر ازدواج مشروط به بکارت
زوجه شده و فساد شرط مشاهده
شود فساد شرط سبب فساد مشروط
است و مرد میتواند اعاده
مهریه و مخارج را مطالبه نماید
ولکن "در این مقام ستر و عفو
شامل شود عند الله سبب اجر
عظیم است"

۳-۲-۱ امر طلاق موکدماً مذموم و مکروه است

۳-۲-۲ در صورت بروز گُره و کدورت از یکی

از زوجین وقوع طلاق جائز اما

موکول به یک سال تمام تربص

است و شروع و اختتام سنه تربص

باید به گواهی دو نفر شاهد یا

بیش از دو نفر از شهود برسد و امر

طلاق باید توسط "حاکم شرعی بلد

که از جانب امنای بیت عدل

مأمور است در دفتر ثبت " شود.

"اقتران مرء با مرثه در ایام

اصطبار حرام است و اگر کسی

مرتکب شود باید استغفار کند

و ۱۹ مثقال (۱۹) ذهب بیه

بیت العدل جزای عمل برساند"

۳-۲-۳ بعد از وقوع طلاق ادامه دوره

تربص ضرورت ندارد

۳-۲-۴ اگر قرار شود زوجه بعثت فعل

مُنْكَرٌ مُطَّلَقَةٌ شَوْدَنْفَقَهْ در ایام

تربص با وتعلق نمیگیرد

۳-۲-۵ ازدواج مجدد زوجه با زوجه مطلقه

جائز مشروط بر اینکه زوجه مزبور

با دیگری ازدواج نکرده باشد در

غیر این صورت باید ابتدا از شوهر

دوم طلاق بگیرد تا بتواند با شوهر

اول ازدواج کند

۳-۲-۶ "اگر در ایام اضطبار الفست

بمیان آمد حکم زواج ثابت"
اگر بعد از آشتی مجدداً کُره
ایجاد شود و تقاضای طلاق
شود تجدید سنه ترصّ لازم است

۳-۲-۷ اگر در حین سفر مابین زوج و

زوجه اختلاف حاصل شود زوج باید
زوجه را بخانه خود بفرستد یا بدست
امینی بسپارد که او را بخانه
برساند و شوهر باید مخارج سفر
و نفقه یک سال تمام زن را بپردازد

۳-۲-۸ اگر زوج قصد جلای وطن کند و زوجه

راضی به همراهی نباشد و اصرار
در طلاق ورزد سال اضطبار از یوم
مفارقت شروع خواهد شد چه در حین
تدارک سفر باشد یا موقع عزیمت

۳-۲-۹ حکم اسلامی در مورد کیفیت

ازدواج مجدد زوج با زوجه
مطلقه منسوخ شده است (۲)

۳-۳ ارث :

۳-۳-۱ میراث بطبقات ذیل تقسیم

میشود (*) :

(*) این نحوه تقسیم ارث باید در موارد فقدان وصیت متوفی مجری
گردد. به شماره ۱۵-۳-۳ و حاشیه ردیف ۲۵ مراجعه شود.

۱-۱-۳-۲ ذریه ۱۰۸۰ سهم از
 ۲۵۲۰ سهم

۲-۱-۳-۲ زوج یا زوجة ۳۹۰ سهم
 از ۲۵۲۰ سهم

۳-۱-۳-۲ پدر ۳۳۰ سهم از
 ۲۵۲۰ سهم

۴-۱-۳-۲ مادر ۲۷۰ سهم از
 ۲۵۲۰ سهم

۵-۱-۳-۲ برادر ۲۱۰ سهم از
 ۲۵۲۰ سهم

۶-۱-۳-۲ خواهر ۱۵۰ سهم از
 ۲۵۲۰ سهم

۷-۱-۳-۲ معلم (۲۲) ۹۰ سهم
 از ۲۵۲۰ سهم

۲-۳-۳ حضرت بهاء الله سهم ذریه را
 نسبت به آنچه حضرت اعلیٰ مقرر
 داشته مضا عفو و در عوض از سهم
 سایر وراثت به تساوی کسر
 فرموده اند

۳-۳-۳ اگر متوفی ذریه نداشته باشد
 حقوق ذریه به بیت العدل راجع
 است تا جهت ایتام و ارامل
 و امور خیریه صرف شود

در صورتیکه فرزند ذکور شخص متوقّی نیز وفات یافته و از او ذُریّه‌ای باقی باشد، ذُریّه مذکور سهم پدرشانرا بمارث میبرند ولیکن اگر فرزند اناث متوقّی در گذشته و از او ذُریّه‌ای باقی مانده باشد سهم مادرشان بایدطبق حکم کتاب اقدس به هفت طبقه مصرّح در کتاب تقسیم شود

۳-۳-۴ اگر از متوقّی ذُریّه موجود ولیکن سایر طبقات وراثت کلاً یا بعضاً موجود نباشد دوثلث سهم طبقات مفقوده به ذُریّه راجع و ثلث آن به بیت‌عدل راجع است

۳-۳-۵ اگر از طبقات مصرّحه در کتاب کسی باقی نباشد دوثلث از ارثیه با اولاد برادرو خواهر متوقّی و در صورت فقدان آنها سهم مذکور بعمّه و خاله و خال و عمّ راجع است و اگر آنها در قید حیات نباشند بفرزندان آنان میرسد و در هر حال ثلث باقی مانده به بیت‌عدل راجع است

۳-۳-۶ اگر هیچ یک از وراثت فوق الذکر

موجود نباشند تمام ماترک به

بیت عدل راجع میگردد.

۳-۳-۷ دار مسکونه و البسه مخصوصه

پدر متوفی به ذریه ذکور

راجع میشود نه بذریه اناث (۲۳)

اگر بیوت متعدده مسکونی موجود

باشد اعلیٰ و اشرف آن به ذریه

ذکور تعلق مییابد و سایر بیوت

و ماترک شخص متوفی بین وراثت

تقسیم میشود. اگر ذریه ذکور

وجود نداشته باشد و ثلث دار

مسکونه و البسه مخصوصه متوفی به

ذریه اناث و یک ثلث به بیت

عدل راجع میگردد. در مورد

ماترک مادر البسه مستعمله

وی باید بالسویه بین فرزندان

اناث تقسیم شود. و اگر دختری

از وی باقی نمانده باشد البسه

غیر مستعمله و جواهرات و املاک

مشارک آنها باید بین وراثت او

تقسیم گردد، همچنین البسه

مستعمله.

۳-۳-۸ اگر اولاد شخص متوفی صغیر باشد

سهم آنها باید برای تجارت و

اقتراف بشخص امینی و یا شرکتی

سپرده شود تا اولاد مزبور بسن

بلوغ برسند و سهمی از منافع
حاصله بایده شخص امین یا
امناء مذکور تخصیص داده شود.

۳-۳-۹ ماترک متوفی نباید بیمن

وراثت تقسیم شود مگر بعد از
ادای حقوق الله (۲۴) و تأدیه
دیون متوفی و مصارف تشییع و
تدفین میت بعزت و احترام.

۳-۳-۱۰ در صورتیکه برادر متوفی برادر

ابی باشد سهم کامل مذکور در
کتاب باو تعلق میگیرد اما اگر
از پدر از او جدا باشد فقط
دوثلث سهم مذکور باو تعلق
میگیرد و ثلث بقیه به بیست
عدل راجع است. این حکم درباره
خواهر متوفی نیز جاریست.

۳-۳-۱۱ در مواردی که برادران و خواهران

ابی و امی حیات داشته باشند
برادران و خواهران امی سهمی
از ارثیه نمیبیرند.

۳-۳-۱۲ معلّم غیربھائی ارث نمیبیرد

و اگر معلّم متعدّد باشد سهم معلّم
بالسویه میان نشان قسمت میشود.

۳-۳-۱۳ ورثه غیربھائی از ارث سهم

نمیبیرند. (۲۵)

۳-۳-۱۴ بغیر از البسه مستعمله و
 جواهرات و غیر آن که با ثبات
 معلوم شود زوج به زوجه بخشیده
 هر آنچه زوج برای زوجه اش خریده
 باید جزء مایملک زوج محسوب و
 بین وراثت قسمت شود.

۳-۳-۱۵ هر شخصی مختار است هر نوع
 میخواد و وصیت نامه نوشته
 مایملک خود را تقسیم کند،
 مشروط بر آنکه قراری برای ادای
 حقوق الله و پرداخت دیون خود
 داده باشد.

۴ - سایر احکام و حدود و خطابات نصیحه

- ۴-۱ احکام و حدود متفرقه
 ۴-۱-۱ حج (۲۶)
 ۴-۱-۲ حقوق الله (۲۴)
 ۴-۱-۳ اوقاف
 ۴-۱-۴ مشرق الذکارب (۲۷)
 ۴-۱-۵ امتداد دور بهائی (۲۸)
 ۴-۱-۶ اعیاد بهائی (۲۹)
 ۴-۱-۷ ضیافت نوزده روزه
 ۴-۱-۸ سال بهائی
 ۴-۱-۹ ایام زائده بر شهور (ایام هاء)

(۲۹)

سن بلوغ ۴-۱-۱۰

دفن اموات (۳۰) ۴-۱-۱۱

اشتغال به صنعت و اقتراف
که مفروض و نفس عبادت محسوب
گشته (۳۱) ۴-۱-۱۲

اطاعت از حکومت ۴-۱-۱۳

تربیت اطفال ۴-۱-۱۴

تنظیم وصیت نامه ۴-۱-۱۵

زکوة (۳۲) ۴-۱-۱۶

ذکر اسم اعظم ۹۵ مرتبه در
روز (۳۳) ۴-۱-۱۷

شکار حیوانات (۳۴) ۴-۱-۱۸

جواز استخدام دوشیزگان (۳۵) ۴-۱-۱۹

پیدا کردن مال گمشده (۳۶) ۴-۱-۲۰

حکم دفينه ۴-۱-۲۱

تصرف در امانات (۳۷) ۴-۱-۲۲

قتل غیر عمد (۳۸) ۴-۱-۲۳

تعریف شاهد عادل (۳۹) ۴-۱-۲۴

مناهی ۴-۱-۲۵

۴-۱-۲۵-۱ تأویل کلمات الهی

۴-۱-۲۵-۲ خرید و فروش برده

- ۴-۱-۲۵-۳ حمل ریاضات
- ۴-۱-۲۵-۴ رهبانیت
- ۴-۱-۲۵-۵ تکدی و سئوآل (۴۰)
- ۴-۱-۲۵-۶ حرفه پیشوائی مذهبی
- ۴-۱-۲۵-۷ صعودبر منابر
- ۴-۱-۲۵-۸ تقبیل ایادی (دست
بوسی)
- ۴-۱-۲۵-۹ اقرار بمعاصی نزد
خلق (۴۱)
- ۴-۱-۲۵-۱۰ تعدد زوجات (۱۷)
- ۴-۱-۲۵-۱۱ شرب مسکرات
- ۴-۱-۲۵-۱۲ شرب افیون
- ۴-۱-۲۵-۱۳ قمار
- ۴-۱-۲۵-۱۴ حریق عمدی (۴۲)
- ۴-۱-۲۵-۱۵ زنا (۴۲)
- ۴-۱-۲۵-۱۶ قتل نفس (۴۲)
- ۴-۱-۲۵-۱۷ سرقت (۴۲)
- ۴-۱-۲۵-۱۸ لواط (۴۳)
- ۴-۱-۲۵-۱۹ ادای صلوة جماعت
جزیرای میت (۲)
- ۴-۱-۲۵-۲۰ ظلم به حیوانات

(۲۱)

۴-۱-۲۵-۲۱ بطلالت و کسالت

۴-۱-۲۵-۲۲ غیبت

۴-۱-۲۵-۲۳ تهمت و افتراء

۴-۱-۲۵-۲۴ حمل سلاح جزدر مواقع

ضروری

۴-۱-۲۵-۲۵ دخول در خزینه

حمام‌های ایرانی (۴۴)

۴-۱-۲۵-۲۶ دخول در بیت‌دیگری

بدون اذن صاحبخانه

۴-۱-۲۵-۲۷ ایرادضرب و جرح

۴-۱-۲۵-۲۸ نزاع و جدال

۴-۱-۲۵-۲۹ ذکرگفتن در کوچه

و بازار

۴-۱-۲۵-۳۰ فروبردن دست در

طرف‌غذا (۴۵)

۴-۱-۲۵-۳۱ تراشیدن موی سر

۴-۱-۲۵-۳۲ تجاوزموی سر در

مردان ازحدبناگوش

۴-۲ نسخ احکام و حدود ذیل که در شرایع

قبل واردگشته :

۴-۲-۱ محو کتب

۴-۲-۲ حرمت پوشیدن حریر

- ۴-۲-۳ حرمت استعمال ظروف طلاونقره
- ۴-۲-۴ محدودیت سفر
- ۴-۲-۵ تقدیم هدایای لاعادل له بحضور
شارع امر الهی
- ۴-۲-۶ حرمت سئوآل از شارع امر
- ۴-۲-۷ حرمت ازدواج مجدد با زوجه
مطلقه قبلی (۲۱)
- ۴-۲-۸ جریمه ایراد حزن بر همسایه
- ۴-۲-۹ حرمت موسیقی
- ۴-۲-۱۰ محدودیت لباس و لحن (ریش)
- ۴-۲-۱۱ حکم عدم طهارت از اشیاء و
ملل مختلفه (۴۶)
- ۴-۲-۱۲ عدم طهارت ماء نطفه
- ۴-۲-۱۳ عدم طهارت اشیاء معینه برای
سجود بر آنها
- ۴-۳ خطابات نصیحه متفرقه
- ۴-۳-۱ معاشرت با پیروان جمیع
ادیان با روح و ریحان
- ۴-۳-۲ احترام والدین
- ۴-۳-۳ انسان باید آنچه بر خود روا
نمیدارد بر دیگران نپسندد

- ۴-۳-۴ لزوم تبلیغ امرالله و نشر
نجات الله بعد از صعود
جمال اقدس الهی
- ۴-۳-۵ نصرت نفوسی که بترویج
امرالله قیام میکنند
- ۴-۳-۶ عدم انحراف از نصوص و منع
متابعت از نفوسی که بغیر
ما انزله الله تکلم مینمایند
- ۴-۳-۷ رجوع به نصوص مبارکه در
صورت بروز اختلاف
- ۴-۳-۸ غور و تعمق در آیات و
کلمات الهی
- ۴-۳-۹ عدم تمسک به ظنون و اوهام
- ۴-۳-۱۰ تلاوت آیات الهی در هر صبح
و شام
- ۴-۳-۱۱ تلاوت آیات با لحن خوش
- ۴-۳-۱۲ تعلیم اولاد به تلاوت آیات
بالحان خوش در مشرق الاذکار
- ۴-۳-۱۳ تحصیل علوم و فنون نافعه
بعالم انسانی
- ۴-۳-۱۴ لزوم مشورت در امور
- ۴-۳-۱۵ عدم تساهل در اجرای احکام
الهی

۴-۳-۱۶ استغفار از معاصی بساحت
قدس‌الهی

۴-۳-۱۷ قیام باعمال حسنه و کسب
فضائل

۴-۳-۱۷-۱ صداقت

۴-۳-۱۷-۲ امانت

۴-۳-۱۷-۳ وفا

۴-۳-۱۷-۴ تقوی و خشیه‌الله

۴-۳-۱۷-۵ عدل و انصاف

۴-۳-۱۷-۶ تدبیر و حکمت

۴-۳-۱۷-۷ ادب

۴-۳-۱۷-۸ مهمان‌نوازی

۴-۳-۱۷-۹ استقامت

۴-۳-۱۷-۱۰ انقطاع

۴-۳-۱۷-۱۱ تفویض مطلق بما

اراده‌الله

۴-۳-۱۷-۱۲ احتراز از فتنه

و فساد

۴-۳-۱۷-۱۳ اجتناب از تزویر

و ریا

۴-۳-۱۷-۱۴ احتراز از کبر

و غرور

- ۴-۳-۱۷-۱۵ احترام از حمیت
جاهلیه
- ۴-۳-۱۷-۱۶ احترام از ترجیح
دادن خودبسر
دیگران
- ۴-۳-۱۷-۱۷ اجتناب از
مجادله در قول
- ۴-۳-۱۷-۱۸ احترام از هوای
نفس
- ۴-۳-۱۷-۱۹ شکیبائی در مصائب
و بلایا
- ۴-۳-۱۷-۲۰ عدم تعرض با ولیای
امور
- ۴-۳-۱۷-۲۱ کظم غیظ
- ۴-۳-۱۷-۲۲ مقابله برفق
- ۴-۳-۱۸ اجتناب از تفرقه و تمسک
تام به اتحاد
- ۴-۳-۱۹ مراجعه بطیب حاذق هنگام
بیماری
- ۴-۳-۲۰ اجابت دعوت
- ۴-۳-۲۱ مودت بذوی القربای شارع
امور (۴۷)

- ۴-۳-۲۲ تحصیل السنه مختلفه برای
تبلیغ امرالله
- ۴-۳-۲۳ تعمیر و آبادانی دیار و
بلاد برای تجلیل امرالله
- ۴-۳-۲۴ مرمت و حفاظت بقاع متبرکه
منسوب به شارعین امرعظم
- ۴-۳-۲۵ جوهر لطافت بودن (کونواعنصر
اللطافه)
- ۴-۳-۲۵-۱ شستن پا
- ۴-۳-۲۵-۲ استعمال گلاب
و عطر
- ۴-۳-۲۵-۳ استحمام در ماء
بکر
- ۴-۳-۲۵-۴ تقلیم اظفار
(ناخن گرفتن)
- ۴-۳-۲۵-۵ شستن اشیاء ملوث
در آب پاک
- ۴-۳-۲۵-۶ پوشیدن البسه
عاری از اوساخ
و آلودگی
- ۴-۳-۲۵-۷ تجدید اثاث
البیت (۴۸)

هـ - تذکرات و عقاب و انذارات مخصوصه

خطاب به :

- ۱ - ملاه انشاء ، عموم اهل عالم
- ۲ - معشر ملوک (۴۹)
- ۳ - معشر علماء دین (۵۰)
- ۴ - ملوک آمریکا و رؤسای جمهور آن (۵۱)
- ۵ - ویلهلم اول پادشاه پروس (ملک برلین) (۵۲)
- ۶ - فرانسوا ژوزف امپراطور اطریش (ملک نمسه) (۵۳)
- ۷ - اهل بیان
- ۸ - اعضاء مجالس مقننه عالم (پارلمانها)

و - مواضع متفرقه

- ۱ - علویت و عظمت شریعت بهائی
- ۲ - مقام منیع شارع امر
- ۳ - اهمیت عظمای کتاب مستطاب اقدس
- ۴ - اصل عصمت کبری (۵۴)
- ۵ - ملازمه لاینفک دو فریضه عرفان مظهر امر و اتباع احکام و اوامر او (۵۵)
- ۶ - هدف غائی تحصیل علوم عرفان معلوم است (۵۶)

- ۷ - طوبی از برای نفوسی که به حقیقت کلمه
"اِنَّهٗ لَا یُسْتَلَّ عَمَّا یَفْعَلُ" عارفند (۵۷)
- ۸ - اضطراب انظمه عالم در اثر "نظم اعظم آلهی" (۵۸)
- ۹ - امر بآختیاریکی از السنه و قبول خطی از
خطوط برای استفاده اهل ارض ، یکی ازدو
علامت بلوغ عالم انسانی (۵۹)
- ۱۰ - اشاره به نبوّات حضرت اعلیٰ بظهور "من
یظهره الله"
- ۱۱ - اخبار از ارتفاع نفاق ناعقین
- ۱۲ - ستایش از سلطانی که بشرفایمان فائز
گشته و بخدمت امر قیام میکند (۶۰)
- ۱۳ - عدم ثبات امور بشری (۶۱)
- ۱۴ - معنی حریت حقیقی (۶۲)
- ۱۵ - منوط بودن ارزش کل اعمال بقبول حق
- ۱۶ - اهمیت حبّ آلهی در اتّباع او و امرواحکام
(اعملوا حدودی حبّاً لیجمالی) (۶۳)
- ۱۷ - توکل بحق و تمسک بحبل اسباب
- ۱۸ - ستایش از علماء فی البهء (۶۴)
- ۱۹ - وعده مغفرت بمیرزایحیی در صورت توبه
و ندامت (۶۵)
- ۲۰ - خطاب به ارض طاء (۶۶)
- ۲۱ - خطاب به مدینه اسلامبول و اهل آن (۶۷)

- ۲۲ - خطاب به شواطی نهر رین (۶۸)
- ۲۳ - مردود شناختن مدعیان علم بیاطن
- ۲۴ - مردود شناختن نفوسی که غرور بعلم موجب احتجابشان از حق میگردد
- ۲۵ - نبوّات راجع به ارض خاء (خراسان) (۶۹)
- ۲۶ - نبوّات راجع به ارض ک و راء (کرمان) (۷۰)
- ۲۷ - اشاره به شیخ احمد احسائی (۷۱)
- ۲۸ - اشاره به گندم پاک کن (جناب ملامحمد جعفر اصفهانی) (۷۲)
- ۲۹ - مردود شناختن حاجی محمد کریم خان کرمانی (۷۳)
- ۳۰ - مردود شناختن شیخ محمدحسن نجفی (۷۴)
- ۳۱ - اشاره به ناپلئون سوم (۷۵)
- ۳۲ - اشاره به سیدمحمد اصفهانی (۷۶)
- ۳۳ - وعده نصر در حق قائمین بخدمت امرآلهی (۷۷)

حواشی و توضیحات

در انتهای هر یک از موارد مذکور
شماره صفحه متن که بآن ارجاع
شده بین الهمالین آمده است

حواشی و توضیحات

- ۱ - حضرت بهاء الله در کتاب اقدس بیت عدل عمومی و بیوت عدل محلی هردو را مقرر فرموده اند و در بسیاری از احکام فقط بذکر بیت عدل اکتفا و تصمیم باینکه حکم نازله مربوط به کدام رتبه از مراتب مؤسسه مذکور میگردد به آئینده موکول گشته است (صفحه ۱۲)
- ۲ - نماز جماعت به مفهوم عرف معمول که باید مطابق مراسم و آداب خاص اقامه گردد در آئین بهائی نهی شده است فقط طلوه میت از این حکم مستثنی است . (توضیح شماره ۱۱ ملاحظه شود) بنا بر این نمازهای سه گانه یومیه باید بصورت فردی اقامه شود نه بصورت اجتماع . برای تلاوت سایر ادعیه و مناجاتهای بهائی آداب مخصوصی تعیین نشده . احباء مجازند بهر کیفیت که بخواهند در مجامع یا به تنهایی به تلاوت دعا و مناجات بپردازند . ولکن بر طبق هدایت حضرت ولی امرالله : "هر چند یاران مختارند هر نحو مایلند به دعا و مناجات بپردازند ولکن باید نهایت مراقبت را معمول دارند تا نحوه عمل آنان تصلب نیافته سبب ایجاد بدعتی نشود . این نکته ایست که یاران باید همواره بخاطر داشته باشند مبادا از صراط مستقیمی که در تعالیم الهیه منظور گشته منحرف شوند . (ترجمه) (صفحات ۱۲، ۱۵، ۳۰)

- ۳ - قبله : از "شطری الاقدس المقام المقدس" مقصود
روضه مبارکه در عکا است (صفحه ۱۲)
- ۴ - وضو : شستن دست و صورت به نیت اقامه نماز است
(صفحات ۱۳ و ۱۴)
- ۵ - آیه مخصوصی که باید ۹۵ مرتبه در روز (از زوال
تا زوال) تکرار شود اینست : "سبحان الله ذی
الطّلعۃ و الجمال" (صفحات ۱۳ و ۱۷)
- ۶ - متن این سه طوة در کتاب "ادعیه حضرت محبوب"
طبع مصر درج شده است (صفحه ۱۳)
- ۷ - حضرت عبدالبهاء تصریح فرموده اند که آغاز وقت
ادای نماز صبح از طلوع فجر است (صفحه ۱۳)
- ۸ - آیه مخصوصه که در موارد مشخصه باید بجای وضو
پنج مرتبه تلاوت شود اینست : "بسم الله الاظهر
الاظهر" (صفحه ۱۴)
- ۹ - "ناامنی در سفر" در این مقام اشاره به کیفیتی
از عدم امنیت و آسایش است که ادای نماز را
غیرممکن سازد. در خصوص این سؤال که آیا مقصد
آنست که در حین سفر حکم نماز بالکل ساقط است
حضرت بهاء الله جواب عنایت فرموده اند که مورد
مزبور فقط مربوط به عدم امنیت است و اگر
شخص بتواند محل امنی که در آن ادای نماز میسر
باشد سراغ کند باید نماز را بجای آورد. (صفحه ۱۵)

- ۱۰ - بجای هر نماز فوت شده باید یکبار درحین سجده "سبحان الله ذی العظمة والاجلال والموهبة و الافضال" یا فقط "سبحان الله" قرائت شود بعد از اتمام سجده باید بهیکل توحید (چهار زانو) نشسته ۱۸ مرتبه این آیه را تکرار کنند: "سبحان الله ذی الملك و الملکوت" (صفحه ۱۵)
- ۱۱ - صلوه میّت در کتاب "ادعیه حضرت محبوب" طبع مصر درج شده است و تنها این صلوة است که باید بحال اجتماع تلاوت شود بدین طریق که همسه حاضرین ایستاده یکی از یاران آنرا تلاوت میکند. در هنگام تلاوت نماز میّت توجه به قبله لازم نیست (صفحه ۱۵)
- ۱۲ - نماز مذکور در کتاب اقدس مجزی از آن کتاب نازل گشته بود. نمازهای سه گانه که بجای آن نازل شده حال معمول است. متن صلوة قبلی بعد از صعود مبارک توسط ناقضین به سرقت رفت (صفحه ۱۶)
- ۱۳ - در اسلام تلاوت صلوه مخصوصی در اوقات بروز حوادث مدهشه طبیعیه از قبیل زلزله فرض بوده است. این صلوة منسوخ شده و بجای آن میتوان این آیه را تلاوت نمود: "العظمة لِلّٰه ربّ ما یُرئ و مالایری رب العالمین" (صفحه ۱۶)

- ۱۴ - حضرت بهاء الله تصریح فرموده اند که موویبوست سمورو استخوان و امثال آن مُبطل نماز نیست و اشاره میفرمایند که این اعتقاد توسط علمای اسلام بوجود آمده و از احکام قرآن نیست (صفحه ۱۶)
- ۱۵ - نظرباینکه حضرت اعلیٰ محلّ مخصوصی برای ایام زائد بر شهر سال در تقویم معین نفرموده بودند اهل بیان متحیر بودند که آن کسور را در چه موقع از سال قرار دهند. کتاب اقدس این مشکل را مرتفع ساخت.^۴ برای اطلاع بیشتر میتوان به قسمت مربوط به تقویم بهائی در هر یک از مجلّات کتاب عالم بهائی رجوع نمود.
(صفحه ۱۶)
- ۱۶ - حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح بعد از اشاره به اینکه صوم عبارت از کفّ نفس از اکل و شرب است تصریح میفرمایند که دخان نیز از جمله "مشروبات" است (در لسان عربی فعل "شرب" برای استعمال دخان نیز بکار میروند) (صفحه ۱۶)
- ۱۷ - نص کتاب اقدس دلالت بر توحید زوجه دارد^۵ ولکن چون بنظر میرسد داشتن دو زوجه نیز مجاز است از حضرت ولی امرالله استدعای هدایت شده در جواب در توقیعی که توسط منشی مرقوم گشته میفرمایند: "در خصوص ازدواج بهائی با توجه به لوح مبارک حضرت مولی الوری در تبیین شرط کتاب اقدس برای تعدّد زوجات واضح میگردد که در امر بهائی فقط توحید زوجه مجاز است زیرا

چنانکه حضرت عبدالبهاء فرموده‌اند که عدالت در تعدّد زوجات شرط شده و عدالت بدرجه امتناع است یعنی مشروط به شرط محال است لذا تعدّد زوجات مجاز نیست احباء باید توحید در تزویج را مراعات نمایند. " (ترجمه) (صفحات ۱۸ و ۳۰)

۱۸ - آیتین مخصوص نکاح : "إِنَّا كُلُّ لِّلْمِ رَاضِيُونَ" برای مرد و "إِنَّا كُلُّ لِّلْمِ رَاضِيَاتٌ" برای زن (صفحه ۱۸)

۱۹ - مقال بیانی واحد وزنی است که حضرت اعلیٰ تعیین فرموده‌اند و آن معادل ۱۹ نخود یعنی قدری بیشتر از ۳/۵ گرم است (صفحات ۱۹ و ۲۲)

۲۰ - قسمت ۲-۲-۳ صفحه ۲۲ در خصوص دوره اصطبار ملاحظه شود (صفحه ۲۰)

۲۱ - اشاره به یکی از قوانین اسلامی است که زوج در شرایط مخصوصه نمیتواند با زوجه مطلقه خویش ازدواج کند مگر آنکه زوجه مزبور با مرد دیگری ازدواج کرده و سپس طلاق بگیرد (محلل). این شرط در کتاب اقدس منسوخ گشته است ۶ (صفحات ۲۳ و ۳۲)

۲۲ - حضرت ولی امرالله در جواب یکی از احبائی که سوال میکند آیا از کلمه "معلم" که جزء وراثت محسوب شده مقصود معلم یا معلمین معینی هستند یا این حکم را میتوان بنحو اعم تنفیذ کرد یعنی بر امر تعلیم و تربیت اطلاق نمود میفرمایند تعیین نحوه اجرای این حکم با بیت عدل اعظم است .

(صفحه ۲۴)

۲۳ - دار مسکونه و البسه مخصوصه متوقی بنا بر تبیین حضرت عبدالبهاء به اولاد ارشد ذکور راجع است و اگر ارشد ذکور قبل از پدر فوت شود بجای او بیسر دوم میرسد و قیس علی ذلک .

(صفحه ۲۶)

۲۴ - حقوق الله: اگر ارزش دارائی شخصی لااقل معادل ۱۹ مثقال طلا باشد فریضه روحانی او اینست که نوزده در صد آن را برای یک مرتبه بابت حقوق الله بپردازد بعضی اقلام دارائی مانند بیت مسکونی ازادای حقوق الله معاف است . بعد از آن هرگاه عایدات شخص بعد از وضع مصارف لازمه بقدری باشد که ارزش دارائی او را به لااقل معادل ۱۹ مثقال طلا افزایش دهد باید نوزده درصد این افزایش را بپردازد و بهمین قسم برای اضافات بعدی اقدام کند

(صفحات ۲۷ و ۲۸)

در توقیعی خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان هند که توسط منشی از طرف حضرت ولی امرالله مرقوم گشته مذکور است: "گرچه حضرت بهاءالله در رساله سؤال و جواب مخصوصاً تصریح فرموده‌اند، اشخاص غیربهای از میراث والدین و اقربای بهائی حقی ندارند، مع ذلک این امر منحصراً محدود به مواردی است که شخص بهائی بدون وصیت نامه فوت کند و لاجرم ماترک او بر طبق کتاب اقدس تقسیم شود. در غیراینصورت فردبهای مختار است مایملک خود را بهر شخصی بدون ملاحظه دیانت ببخشد مشروط بر اینکه وصیت نامه‌ای تنظیم و نیّت خود را تعیین کرده باشد. بنابراین ملاحظه می‌کنید، همواره شخص بهائی میتواند برای زوجه یا اولاد و یا منسوبان غیربهای خود در وصیت نامه سهمی منظور دارد و این البته بمقتضای انصاف است." (ترجمه) (صفحه ۲۷)

در کتاب اقدس حضرت بهاءالله زیارت بیت اعظم در بغداد و بیت حضرت نقطه اولی در شیراز را امر میفرمایند و تفصیل مربوط به آداب حج در این دو مکان مقدس در الواح سائره نازل شده است. حضرت عبدالبهاء در لوحی خطاب به یکی از اعیان در خصوص زیارت اماکن متبرک که بطور کلی چنین میفرمایند: "و اما ما سئلت عن زیارة المقامات المقدسة والاحترامات الفائقة لتلك البقاع النورانية فلا شك ان تلك المقامات المقدسة محل الفيوضات لان القلب يحصل لها رقة عظيمة عند الورد على هذه البقاع

التورانية من الشهداء والنفوس المقدسة و تلك الاحترامات روحانية و جسمانية ولكن ليس فرض واجب على كل النفوس ان يزوروا تلك البقاع الا البقاع الثلاثة التي هي التربة المقدسة والبيت المكرم في العراق والبيت المعظم في شيراز هذا واجب عند الاستطاعة والاقتدار و عدم الموانع و التفصيل مذكور في الالواح وهذه البقاع الثلاثة يشداليه الرجال و اما سائر مقامات الشهداء و المقدسين اذا احب انسان ان يتقرب الى الله بواسطة زيارة تلك البقاع هذا امر محبوب عند الله و ليس فرض واجب.

(صفحه ۲۸)

۲۷ -

مشرق الاذكار عبارت از یک بنای مرکزی برای عبادت و تعدادی ملحقات در حول آنست که بفرموده حضرت ولی امر الله به "تسکین ستمدیدگان ورفاه حال مظلومان، اعاشه محتاجان، پناه مسافران، تسلی داغدیدگان و تربیت جاهلان تخصیص دارد" (ترجمه) در عمارت مرکزی آیات و کلمات مقدسه ادیان الهی تلاوت میگردد یا سرودهای روحانی مبتنی بر آن کلمات ترتب میشود. حضرت بهاء الله در کتاب اقدس میفرماید: "طوبی لمن توجه الى مشرق الاذکار فی الاسحار ذا کراً متذکراً مستغفراً و اذا دخل یقعد صامتاً لإصغاء آیات الله الملك العزیز الحمید." (صفحه ۲۸)

۲۸ -

اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس: "من یدعی امرأ قبل اتمام الف سنة كاملة لله کذابٌ مفترٌ..."

۲۹ - حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس اعیان رضوان (که در ایام اول و نهم و دوازدهم آن اشتغال بکار حرام است) و یوم بعثت حضرت نقطه اولی و یوم مولود حضرت نقطه اولی و یوم مولود خود و نوروز را مقرر فرموده اند!

در ایام حیات حضرت بهاء الله یوم شهادت حضرت اعلی نیز جزو ایام متبرکه محسوب میشود و حضرت عبدالبهاء یوم صعود جمال قدم را نیز با ایام محرّمه اضافه فرمودند که جمعاً ۹ روز میشود. علاوه بر این ایام تسعه در یوم میثاق و در لیله صعود حضرت عبدالبهاء نیز محافل یادبود منعقد میگردد ولی در این ایام اشتغال بکار مجاز است. به فصل تقویم بهائی در هر یک از مجلدات کتاب عالم بهائی نیز مراجعه شود. (صفحه ۲۸)

۳۰ - احکام دفن میت بطور اختصار متضمن نهی از نقل جسد بفاصله بیش از یک ساعت از محل فوت، امر به تکفین در حریر یا قطن، وضع خاتم در انگشت میت که بر آن آیه "قَدْ بُدِئْتُ مِنَ اللَّهِ وَ رَجَعْتُ إِلَيْهِ مَنْقُطاً عَمَّا سِوَاهُ وَ مَتَمَّسَکاً بِاسْمِهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" نقش شده و استفاده از بلور یا اجار و یا چوب محکم لطیف برای تابوت است و صلوة مخصوص میت باید قبل از دفن تلاوت شود. (توضیح شماره ۱۱ مراجعه شود)

بنا بر تبیین حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امر الله سوزاندن جسد میت ممنوع است. صلوة میت و انگشتن برای اشخاصی است که بسن بلوغ رسیده باشند. (صفحه ۲۹)

- ۳۱- اگر نفسی قادر به تأمین معاش نباشد بر بیت عدل و اغنیا فرض است مئونه اورا تأمین نمایند (صفحه ۲۹)
- ۳۲- در خصوص زکوة حضرت بهاء الله امر فرموده اند
 كما نزل في الفرقان عمل شود طبق حکم مزبور بطور کلی بر هر کس فرض است که سهمی از دارائی خود را برای دستگیری فقرا و امور خیریه دیگر و برای اعانت امرالله تبرّع نماید.^۹
 جزئیات تنفیذ این حکم به بیت العدل اعظم تفویض شده که در آینده تشریح نمایند.
 حضرت ولی امرالله تصریح فرموده اند که در حال حاضر احباء میتوانند تبرّعاتی بر حسب استطاعت خود به صندوق های امری تقدیم کنند. (صفحه ۲۹)
- ۳۳- شخص بهائی باید هر روز وضو گرفته (به توضیح شماره ۴ مراجعه کنید) بنشیند و ۹۵ مرتبه ذکر "الله ابهی" را تکرار کند. (صفحه ۲۹)
- ۳۴- حضرت بهاء الله اسراف در شکار را تحذیر فرموده اند و بموجب احکام موضوعه مصرف گوشت شکاری که در دام مرده یافت شود منع شده است.^{۱۰} (صفحه ۲۹)
- ۳۵- حضرت بهاء الله میفرمایند مردم میتوانند دوشیزه ای را برای خدمت در خانه استخدام کنند. این عمل در عرف شیعه در صورتی جائز است که دوشیزه به نکاح مرد درآمده باشد.^{۱۱} (صفحه ۲۹)

- ۳۶- مربوط بمقرراتی است که برای پیدا کردن صاحب مال گمشده وضع شده است. (صفحه ۲۹)
- ۳۷- مربوط به تعویض مال امانتی است بمنظور جلوگیری از تزییع مال و حفظ منافع صاحب آن. (صفحه ۲۹)
- ۳۸- مربوط به دیه قتل غیر عمد است (صفحه ۲۹)
- ۳۹- در مواقعی که شهادت عدلین (دو شاهد عادل) برای اثبات امری لازم باشد "حدّ عدالت نیکوئی صیت است بین عباد و شهادت عباد لله از هر حزبی لَدی العرش مقبول." (صفحه ۲۹)
- ۴۰- حضرت بهاء الله تکدّی و اعطاء به سائل هر دو را نهی فرموده اند اما به اغنیا و بیت عدل توصیه میفرمایند، محتاجین را اعانت نمایند^{۱۲} راجع به بیت عدل در یک مقام میفرمایند: "انا جعلناه مأوی الفقراء والمساکین". (صفحه ۳۰)
- ۴۱- حضرت بهاء الله اقرار بمعاصی و استغفار نزد عباد را منع کرده میفرمایند که عاصی بایسد فارغ از غیر الله در نزد حق توبه نماید زیرا که اوست بخشنده و غافر الذنوب!^{۱۳} در این خصوص در یکی از توقیعات حضرت ولی امر الله که توسط منشی بیکی از احبا مرقوم گشته چنین مذکور است: "ما از اقرار به قصور و معاصی چنانکه

کاتولیک‌ها نزد کشیش معمول میدارند و یا از اظهار آن در ملاء عام چنانکه در بعضی از فرقه‌های مذهبی مرسوم است ممنوعیم. معذک اگر بخواهیم بصرافت طبع بخطائی که نسبت بکسی مرتکب شده‌ایم و یا ناشی از قصور شخصی بوده اذعان نمائیم و از دیگری معذرت خواسته طلب عفو کنیم مختاریم." (ترجمه) (صفحه ۳۰)

۴۲- جزای حرق عمد و زنا و قتل و سرقت در کتاب اقدس تصریح شده^{۱۴} اما این احکام مربوط به اوضاع اجتماعی آینده است و بیت‌العدل اعظم احکام مزبور را تدوین و تنفیذ خواهد نمود (صفحه ۳۰)

۴۳- حضرت ولی امرالله در توقیعی که توسط منشی یکی از احاب مرقوم گشته میفرمایند: "هر قدر عاطفه بین دو همجنس پاک و خالص باشد ابراز این عاطفه بصورت نزدیکی جنسی خطا است. جمال قدم هر نوع انحراف اخلاقی را منع فرموده و رابطه بین دو همجنس نیز از این مقوله است مضافاً بر آنکه این نزدیکی جنسی خلاف قانون طبیعت است." (ترجمه) (صفحه ۳۰)

۴۴- در حمام‌های عمومی ایران در قدیم مرسوم بود که همه در یک خزینه آب استحمام کنند. (صفحه ۳۱)

۴۵- نهی از فروبردن دست در غذا اشاره به نحوه غذا خوردن است (صفحه ۳۱)

- ۴۶ - حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند:
 "قد انغمست الاشياء في بحر الطهارة فسي اول
 الرضوان اذ تجلينا على من في الامكان..."
 (صفحه ۲۲)
- ۴۷ - حضرت بهاء الله در کتاب اقدس تصریح میفرمایند
 که امر به محبت به منسوبین آن حضرت بهیچوجه
 به آنان حقی در اموال ناس نمی بخشد. (صفحه ۳۵)
- ۴۸ - حضرت بهاء الله میفرمایند، حکم تجدید اثاث
 البیت در هر نوزده سال موكول به توانائی و
 استطاعت است. حضرت عبدالبهاء میفرمایند:
 "مراد از این اشياء تحفه های نادیده و اشياء
 مرغوبه نه مثلاً مجوهرات داخل نه بلکه مقصد
 اشیائی است که در ظرف نوزده سال کهنه گردد و
 از رونق افتد و انسان از مشاهده اش کُره حاصل
 نماید". (صفحه ۳۶)
- ۴۹ - اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس:
 "يا معشر الملوك انتم المماليك قد ظهرا المالك..."
- ۵۰ - اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس:
 "يا معشر العلماء لاتزنوا كتاب الله بما عندكم
 من القواعد والعلوم..." و نیز این آیه:
 "يا معشر العلماء لَمَّا نزلت الايات و ظهرت
 البينات رأيناكم خلف الحجابات..."

- ۵۱ - اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس :
 "يا ملوك امريكا و روساء الجمهوريات اسمعوا
 ما تغنّ به الورقاء..."
- ۵۲ - اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس :
 "يا ملك برلين اسمع النداء من هذا الهيكـل
 المبين..."
- ۵۳ - اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس :
 "يا ملك النّمسه كان مطلع نور الاحديه فى سجن
 عكا..."
- ۵۴ - به مفاوضات عبدالبهاء (طبع بریل، ۱۹۰۸، ص ۱۲۹)
 رجوع شود (صفحه ۳۷)
- ۵۵ - اشاره است به آیات اول کتاب مستطاب اقدس
- ۵۶ - اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس :
 "يا قوم انا قدرنا العلوم لعرفان المعلوم..."
- ۵۷ - اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس :
 "طوبى لمن اقرب الله وآياته واعترف بانّه لا يُسئل
 عمّا يفعل..."
- ۵۸ - اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس :
 "قد اضطرب التّظم من هذا النّظم الاعظم..."

- ۵۹ - حضرت بهاء الله در کتاب اقدس انتخاب لسان واحد را که تمام اهل عالم بآن تکلم کنند یکی از دو علامت بلوغ عالم بیان فرموده اند^{۱۶} و علامت دیگر بلوغ عالم در توقیع منیع حضرت ولی امرالله (قدظهریومالمیعاد) "The Promised Day is Come" ذکر شده است (صفحه ۳۸)
- ۶۰ - اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس :
"طوبی لِمَلِکٍ قام علی نصرۃ امری فی مملکتی ..."
- ۶۱ - اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس :
"قل لاتفرحوا بما ملکتموه فی العشی و فی الاشرق
یملکه غیرکم ..."
- ۶۲ - اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس :
"قل الحرّیّة فی اتّباع او امری ..."
- ۶۳ - اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس :
"ان اعملوا حدودی حبّاً لجمالی ..."
- ۶۴ - اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس :
"طوبی لکم یا معشرالعلماء فی البهائ تا لله
انتم امواج البحرالاعظم و انجم سماءالفضل ..."
- ۶۵ - به کتاب قرن بدیع (God Passes By) جلد دوم (طبع ۱۲۵ بدیع)، ص ۳۹۰ رجوع شود (ص ۳۸)
- ۶۶ - اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس :
"یا ارض الطّاء لاتحزنی من شیئی ..."
- ۶۷ - اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس :
"یا ایّتها النّقطة الواقعة فی شاطی البحرین ..."

- ۶۸ - اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس :
"یا شواطی نهرالرین قدرأیناک مغطاة بالدماء ..."
- ۶۹ - به کتاب قرن بدیع (God Passes By) جلد دوم
صفحه ۳۹۰ رجوع شود. (صفحه ۳۹)
- ۷۰ - به کتاب قرن بدیع (God Passes By) جلد دوم
صفحه ۳۹۰ رجوع شود. (صفحه ۳۹)
- ۷۱ - به کتاب تاریخ نبیل (مطالع الانوار) فصل اول
رجوع شود. (صفحه ۳۹)
- ۷۲ - ملامحمدجعفر اصفهانی، به کتاب تاریخ نبیل (مطالع
الانوار) فصل چهارم رجوع شود. (صفحه ۳۹)
- ۷۳ - به کتاب ایقان (قاهره : فرج الله زکی، صفحه ۱۴۳)
رجوع شود. (صفحه ۳۹)
- ۷۴ - شیخ محمدحسن نجفی یکی از علمای معروف شیعه که
حضرت اعلیٰ را انکار کرد. (صفحه ۳۹)
- ۷۵ - اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس :
"اذکر من کان اعظم منک شأناً و اکبر منک ...
مقاماً ..."
- ۷۶ - به کتاب قرن بدیع (God Passes By) جلد دوم
(طبع ۱۲۵ بدیع)، صفحات ۲۲۱-۲۲۷ رجوع شود (ص ۳۹)
- ۷۷ - اشاره است به این فقره از کتاب مستطاب اقدس :
"ننصر من قام علی نصره امری ..."

ضمیمہ

مرقومہ دارالانشاء بیت العدل اعظم
راجع بہ احکامی کہ در حال حاضر
احبابِ غرب مکلف بہ اجرای آن نیستند

ضمیمه

ترجمه مرقومه مورخه ۹ جون ۱۹۷۴ دارالانشاء بیت العدل
اعظم خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان آیسلند

از تعدادی از سئوالات واصله چنین مستفاد میشود که برای بسیاری از احباء واضح نیست احکامی که در این ایام باید توسط احبای الهی در مغرب زمین مراعات و اجرا گردد کدام است لذا بنظر میرسد موقع آن فرا رسیده باشد که توضیحاتی در این خصوص داده شود و سهلترین راه آنست که احکامی که در رساله "تلخیص و تدوین احکام و حدود کتاب اقدس" ذکر شده و در حال حاضر احبای غرب مکلف با اجرای آن نیستند مشخص گردد. بمنظور سهولت مراجعه شماره ترتیب احکام که همه در قسمت چهارم این رساله است ذکر میشود.

۱-۴-۳ حکم معافیت از نماز برای نسوان در موقع عبادت ماهیانه

۱-۱۰ حکم وضو گرفتن در موارد مختلف با استثنای وضوئی که برای خواندن نماز وسطی باید گرفت

۱-۱۲ حکم مربوط به قضای نماز فوت شده در مواقع و شرایط ناامنی

۲-۵-۱ تعریف "مسافر" بمنظور معافیت از صوم، در عوض شرایط مذکوره احبای غرب باید دستورالعملی را که حضرت ولی امرالله توسط منشی خود صادر فرموده اند مراعات و مجری نمایند:

"مسافرین از روزه گرفتن معافند ولکن اگر خود مایل باشند که در حین سفر صائم گردند مختار و مجازند. در تمام مدت سفر از روزه گرفتن معاف هستند نه فقط در ساعاتی که با اتوموبیل یا ترن و غیره حرکت میکنند" (ترجمه)

۲-۵-۶ حکم معافیت نسوان از روزه گرفتن در موقع عادت ماهیانه

۳-۱-۹ احکام مربوط به نامزدی

۳-۱-۱۰ حکم مربوط به تأدیه مهریه از طرف داماد به عروس در موقع ازدواج

۳-۱-۱۲ احکام مربوط به مسافرت زوج و دوری وی از زوجه
۳-۱-۱۳

۳-۱-۲۴ احکام مربوط به بکارت زوجه
۳-۱-۲۵

۳-۲-۲ قسمت مربوط به دیه که باید در مورد طلاق به بیت‌العدل تأدیه شود

۳-۳ احکام ارث، در حال حاضر وضع نفوسی که بدون وصیت نامه فوت میکنند مشمول قوانین مدنی است

۴-۱-۱ حکم حج

۴-۱-۲ حکم حقوق الله تاکنون به احبای غرب تکلیف نشده است

۴-۱-۴ حکم توجّه به مشرق الاذکار متدرجا بموقع اجرا گذاشته میشود .

۴-۱-۶ احیای غرب در حال حاضر اعیاد بهائی را طبق تاریخ وقوع آنها در تقویم میلادی برگزار مینمایند تا زمانی که بنا به تشخیص بیت‌العدل اعظم موقع مناسب برای تشریح مقررات متمم برای استفاده کامل از تقویم بهائی برسد .

۴-۱-۱۰ سن بلوغ در حال حاضر فقط مربوط به اجرای مناسک امری است . سایر موارد تابع قوانین مدنی هر مملکت است . سن بلوغ اداری در جامعه بهائی فعلاً بیست و یکسالگی تعیین شده است .

۴-۱-۱۱ در مورد دفن اموات در حال حاضر تنها شرائطی که در غرب لازم است اجرا شود عبارتست از:

دفن جسد و منع از سوزاندن آن، نهی از حمل جسد بیش از یکساعت فاصله از محل فوت و در صورتیکه سن متوفی بیش از پانزده سال باشد لزوم خواندن نماز میت قبل از تدفین .

۴-۱-۱۶ حکم زکوة

۴-۱-۱۷ حکم تکرار اسم اعظم (الله‌بهی) ۹۵ مرتبه در روز

۴-۱-۱۸ حکم مربوط به شکار حیوانات

- ۴-۱-۲۰ احکام مربوط به کشف اشیاء مفقوده و کشف دفینه
 ۴-۱-۲۱ و گنج و دینه قتل غیر عمد کلاً برای اوضاع آئینده
 ۴-۱-۲۲ جامعه در نظر گرفته شده است .
 ۴-۱-۲۳

- ۴-۱-۲۵-۱۴ حرق عمد - زنا - قتل نفس و سرقت تماماً در
 ۴-۱-۲۵-۱۵ دیانت بهائی حرام است اما جزائی که برای
 ۴-۱-۲۵-۱۶ هریک از آنها در کتاب اقدس تعیین شده
 ۴-۱-۲۵-۱۷ برای اوضاع اجتماعی آئینده است این امور
 معمولاً مشمول قوانین مدنی هر کشور است .

- ۴-۱-۲۵-۲۵ احکام مربوط به نهی از دخول در خزینه
 ۴-۱-۲۵-۳۰ حمام‌های عجم و فرو بردن دست در ظرف غذا
 ۴-۱-۲۵-۳۱ و تراشیدن موی سر و تجاوز موی سر در
 ۴-۱-۲۵-۳۲ مردان از حد بنا گوش

کلیه احیای الهی در سراسر عالم مشمول
 مراعات و تنفیذ تمام احکام نصیّـه‌ای
 میشوند که در قسمت چهارم ۳-۴ درج شده
 است مشروط بر آنکه امکانات اجرای احکام
 مزبور برایشان موجود باشد. برای مثال
 اجرای امر تعلیم آیات مبارکه باطفال
 جهت تلاوت به لحن خوش در مشارق الازکار
 بمیزان محدودی میسر است مع هذا دوستان
 الهی باید آثار مقدّسه را حتی الامکان
 به فرزندان خود بیاموزند.

بعضی آیات کتاب مستطاب اقدس که در
قسمت "حواشی و توضیحات" بدانها
اشاره شده است

بعضی آیات کتاب مستطاب اقدس کہ در قسمت "خواشی و توضیحات"

بدانها اشارہ شدہ است

۱ "قد كتب الله على كل مدينة ان يجعلوا فيها بيت العدل و يجتمع فيه النفوس على عدد البهاء و ان ازداد لابس و يرون كأنهم يدخلون محضر الله العلي الاعلى و يرون من لا يرى و ينبغي لهم ان يكونوا امناء الرحمن بين الامكان و وكلاء الله لمن على الارض كلها ويشاورا في مصالح العباد لوجه الله كما يشاورون في امورهم و يختاروا ما هو المختار كذلك حكم ربكم العزيز الغفار."

۲ "و اذا اردتم الصلوة ولّوا وجوهكم شطري الاقدس المقام المقدس الذي جعله الله مطاف الملاء الاعلى و مقبل اهل مدائن البقاء و مصدر الامر لمن في الارضين والسموات و عند غروب شمس الحقيقه والتبيان المقر الذي قدرناه لكم انه لهو العزيز العلام."

۳ "لا يبطل الشعر صلوتكم و لأما منيع عن الروح مثل العظام و غيرها البسوا السّمور كما تلبسون الخز والسّجاجاب و ما دونها انه ما نهى في الفرقان ولكن اشبهه على العلماء انه لهو العزيز العلام."

۴ "واجعلوا الايام الزّائدة عن الشهور قبل شهر الصّيام انّا جعلناها مظاهرها بين الليالي والايام. لذا ما تحددت

بحدود السنة والشهور ينبغي لاهل البهاء ان يطعموا فيها
انفسهم وذوي القربى ثم الفقراء والمساكين ويهللن ويكبرن
ويستبحن ويمجدن ربهم بالفرح والانبساط.

٥ "قد كتب الله عليكم النكاح اياكم ان تجاوزوا عن
الاثنين. والذي اقتنع بواحدة من الاماء استراحت نفسه
و نفسها."

٦ "قد نهاكم الله عما عملتم بعد طلاقات ثلاث فضلا من عنده
لتكونوا من الشاكرين في لوج كان من قلم الامر مسطوراً."

٧ "قد حكّم الله لمن استطاع منكم حج البيت دون النساء عفا الله
عنهن رحمة من عنده انه هو المعطي الوهاب."

٨ "قد انتهت الاعياد الى العيدين الاعظمين اما الاول ايام
فيها تجلّي الرحمن على من في الامكان باسمائه الحسنی و
صفاته العليا والآخر يوم فيه بعثنا من بشر الناس بهذا
الاسم الذي به قامت الاموات وحشر من في السموات
والارضين . والآخرين في يومين كذلك قضي الامر من لدن
امر عليم . طوبى لمن فاز باليوم الاول من شهر البهاء
الذي جعله الله لهذا الاسم العظيم . طوبى لمن يظهر فيه
نعمة الله على نفسه انه ممن اظهر شكر الله بفعله المدل
على فضله الذي احاط العالمين. قل انه كصدر الشهور و
مبدئها وفيه تمر نفحة الحياة على الممكنات طوبى لمن
ادركه بالروح والريحان نشداته من الفائزين. قل ان

العيد الاعظم لسلطان الاعياد اذكروا يا قوم نعمة الله عليكم اذ كنتم رقداً ايظكم من نسمات الوحي وعرفكم سيئه الواضح المستقيم.

٩ "قد كتب عليكم تزكية الاقوات و مادونها بالزكوة هذا ما حكم به منزل الآيات في هذا الرق المنيع . سوف نفصل لكم نصابها اذا شاء الله و اراد انه يفصل ما يشاء بعلم من عنده انه لهو العلام الحكيم ."

١٥ "اذا ارسلتم الجوارح الى الصيد اذكروا الله اذا يحل ما امسكن لكم و لو تجدونه ميتاً انه لهو العليم الخبير . اياكم ان تسرفوا في ذلك كونوا على صراط العدل و الانصاف في كل الامور كذلك يا مكرم مطلع الظهور انتم من العارفين ."

١١ "ومن اتخذ بكرة لخدمته لابس عليه كذلك كان الامر ومن قلم الوحي بالحق مرقوما ."

١٢ "لا يحل السؤال و من سئل حرم عليه العطاء قد كتب على الكل ان يكسب والذي عجز فللوكلاء والاغنياء ان يعينوا له ما يقيه اعمالوا حدود الله و سننه ثم احفظواها كما تحفظون اعينكم ولا تكونن من الخاسرين ."

١٣ "ليس لاحد ان يستغفر عند احد توبوا الى الله تلقاء انفسكم انه لهو الغافر المعطي العزيز التواب ."

١٤ "مَنْ احْرَقَ بَيْتاً مُتَعَمِّدًا فَاحْرَقُوهُ وَ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا عَامِداً
فَاقْتُلُوهُ خَذُوا سِنَّنَ اللَّهِ بِأَيْدِي الْقُدْرَةِ وَالْاِقْتِدَارِ ثُمَّ
اتْرَكُوا سِنَّنَ الْجَاهِلِينَ. وَإِنْ تَحَكَّمُوا لَهَا حِسَاباً اِبْدِيًّا لِأَبَاسٍ
عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ إِنَّهُ لَهَا الْحَاكِمُ عَلِيُّ مَا يَرِيدُ." "قَدْ
حَكَّمَ اللَّهُ لِكُلِّ زَانٍ وَ زَانِيَةٍ دِيَةً مُسَلِّمَةً إِلَى بَيْتِ الْعَدْلِ
وَ هِيَ تِسْعَةٌ مِثْقَالٍ مِنَ الذَّهَبِ وَ إِنْ عَادَا مَرَّةً أُخْرَى عَوَدُوا
يُضَعْفُ الْجَزَاءُ هَذَا مَا حَكَّمَ بِهِ مَالِكُ الْأَسْمَاءِ فِي الْأُولَى
وَ فِي الْأُخْرَى قُدِّرَ لَهَا عَذَابٌ مُهِينٌ."

"قَدْ كُتِبَ عَلَى السَّارِقِ النَّفْيُ وَ الْحَبْسُ وَ فِي الثَّلَاثِ
فاجعلوا في جبينه علامةً يَعْرِفُ بِهَا لَثَلًا تَقْبَلُهُ مَدَنُ اللَّهِ
وَ دِيَارُهُ أَيَّاكُمْ إِنْ تَأْخُذْكُمْ الرَّأْفَةُ فِي دِينِ اللَّهِ إِعْمَلُوا
مَا أُمِرْتُمْ بِهِ مِنْ لَدُنْ مُشْفِقٍ رَحِيمٍ."

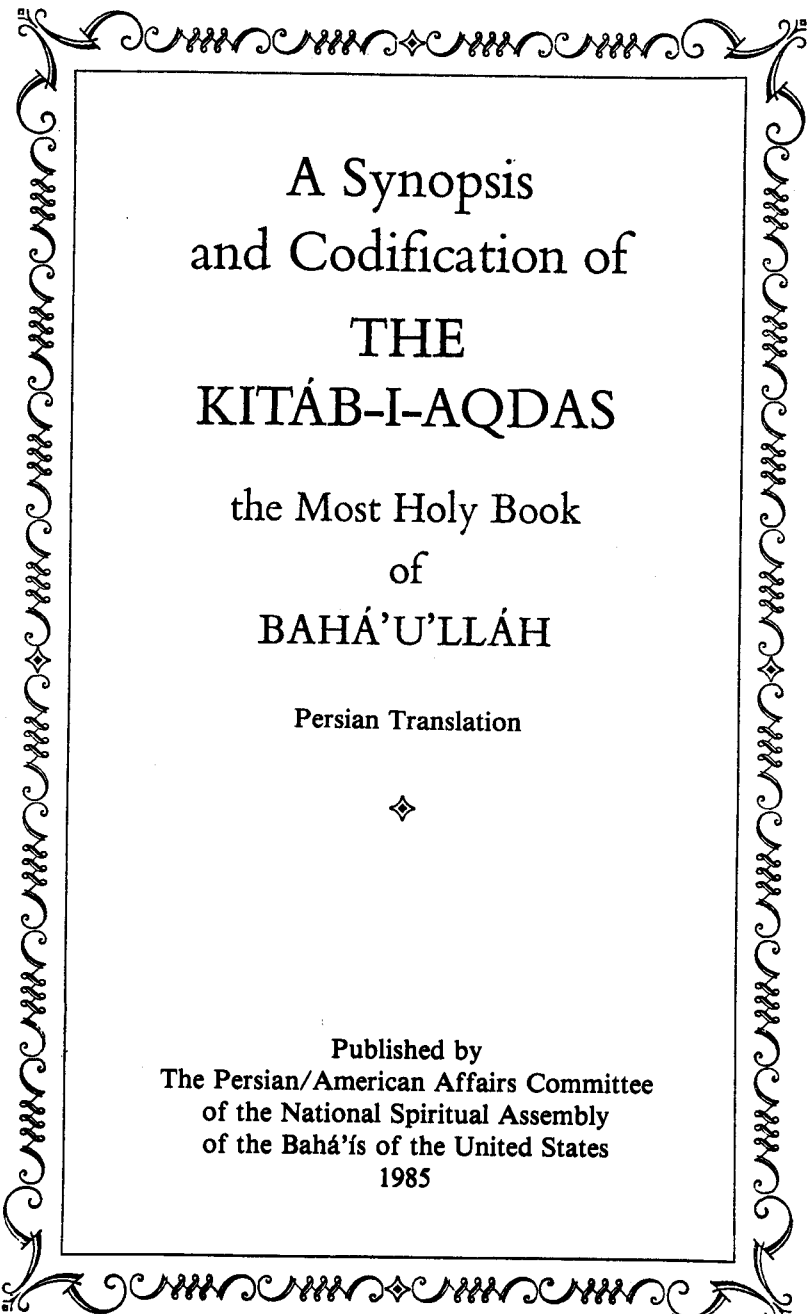
١٥ "إِنَّ اللَّهَ قَدَامَكُمْ بِالْمُودَةِ فِي ذَوِي الْقُرْبَى وَ مَا قَدَّرَ لَهُمْ
حَقًّا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ إِنَّهُ لَسَهْوَالُ الْفَنَى عَنِ الْعَالَمِينَ."

١٦ "يَا أَهْلَ الْمَجَالِسِ فِي الْبِلَادِ اخْتَارُوا الْغَنَةَ مِنَ اللَّغَاتِ
لِيَتَكَلَّمُوا بِهَا مِنْ عَلَى الْأَرْضِ وَ كَذَلِكَ مِنَ الْخَطُوطِ أَنَّ اللَّهَ يَبِينُ
لَكُمْ مَا يَنْفَعُكُمْ وَ يَغْنِيكُمْ عَنْ دُونِكُمْ إِنَّهُ لَهَا الْفَضْلُ
الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ. هَذَا سَبَبُ الْاِتِّحَادِ لَوْ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ وَ
الْعَلَّةُ الْكَبِيرَى لِلِاتِّفَاقِ وَ التَّمَتُّنِ لَوْ أَنْتُمْ تَشْعُرُونَ. إِنَّا
جَعَلْنَا الْأُمْرِينَ عِلَامَتِينَ لِبُلُوغِ الْعَالَمِ الْأَوَّلِ وَهُوَ الْأَسُّ الْأَعْظَمُ
نَزَلْنَاهُ فِي الْوَاكِخِ أُخْرَى وَ الثَّانِي نَزَلَ فِي هَذَا السُّوْحِ
الْبَدِيعِ."

A Synopsis
and Codification of
THE
KITÁB-I-AQDAS

the Most Holy Book
of
BAHÁ'U'LLÁH

Persian Translation



A Synopsis
and Codification of
THE
KITÁB-I-AQDAS

the Most Holy Book
of
BAHÁ'U'LLÁH

Persian Translation



Published by
The Persian/American Affairs Committee
of the National Spiritual Assembly
of the Bahá'ís of the United States
1985

A Synopsis
and Codification of
THE
KITÁB-I-AQDAS

the Most Holy Book
of
BAHÁ'U'LLÁH

Persian Translation